

ویژه برنامه شبکه ۲ برای روز درختکاری

ویژه برنامه «دار دو» به مناسبت روز درختکاری از زیر سایه سرو ابرکوه پیرترین درخت آسیاروانه آتن شبکه دوسیمای شود. این برنامه با اجرای پرهام دبیاچ نگاهی فرهنگی واجتماعی به حفظ محیط زیست و ترویج درختکاری دارد و در این راستا به صورت نمادین از استان یزد و در کنار سرو ابرکوه به عنوان یکی از پیرترین موجودات زنده دنیا روانه آتن می شود. این برنامه ترکیبی شامل بخش هایی هم چون گفت وگویی ویژه با مهمانان، موسیقی،

نمایش معناگرا، گزارش مردمی، موشن گرافیک هایی باموضوعات درخت در قاب تاریخ و هنر و...، مستند (کهن داران) گزارشی از قدیمی ترین درختان شهرهای تفرش و محلات و... است. علاوه بر محمد یاراحمدی، هنرمند گرافیکست و نقاش به عنوان کارشناس هنری برنامه، در قسمت نخست عالیه مهرابی، شاعر و فرهاد مسعودی، جنگلبان از استان گلستان مهمان «دار دو» هستند. گفت وگو با خواهر زنده یاد البرز زارعی از جوانان کوهنورد و

غم های شادی آور را ترجیح می دهیم بر شادی هایی که توأم با غفلت است و غم های مستمر در پی دارد. رسانه باید بتواند حقیقت شادی را توضیح دهد. همچنین در نهج البلاغه، حضرت به واقیاتی چون «مرگ» توجه می دهند. رویکردی که رسانه ملی باید داشته باشد، بدون این که نگران از دست دادن مخاطبش باشد، چرا که هدف بیرون آوردن انسان از غفلت است و باید این مسائل را در جامعه ترویج کنیم تا مردم برای تربیت فرزندان شان وقت بگذارند.

در این نامه امیرالمومنین به طور مفصل بحث مرگ را مطرح می کند و از فرزندش می خواهد که زیاد یاد مرگ باشد چون برکات فراوانی دارد. در فرهنگ اسلامی یاد مرگ نشاط می آورد و سبب می شود انسان بهتر و بیشتر از عمرش استفاده کند. یاد مرگ سبب می شود، صفات زبيله ای چون حرص، ظلم، بداخلاقی و... از انسان دور شود. این راهبردی است که سبب می شود از جهات گوناگون انسان ها آرامش خاطر پیدا کنند و این نفسی را که گاهی بدمستی می کند و از درون به انسان فشار می آورد، بتواند کنترل کند.

در جای جای این نامه، امیرالمومنین به ویژگی های جوانان نمونه اشاره دارند. مشخصه هایی چون «اهل عبادت بودن» در جمله: «فضیلت یک جوان عابد بر پیرمردی که عبادت می کند، مثل فضیلت پیامبران بر مردم است» یا دغدغه آشنایی عمیق با دین، آنجا می که فرمایند: «دوست دارم جوان یا عالم باشد یا متعلم. اگر این طور نباشد، گرفتار افراط و تفریط می شود». همچنین توجه ایشان به کسب روزی حلال، یادگیری قرآن و صدا البته توجه به مسأله «مرگ».

برنامه سازان تلویزیون، سبیل سیاست گذارهای تربیتی

مخلص کلام این که اگر صداوسیما ضروری است همواره هنگام سیاست گذاری برای تولیداتش، راهبردهایی را از متن دین استخراج کند و به منابعی چون «نهج البلاغه» که یک معجزه قولی است – به این معنی که بشر عادی این چنین نمی تواند حرف بزند– آن وقت خواهد توانست علاوه بر جوانان، خواص را نیز متوجه امر خطیر «تربیت» کند. مصداق آن در رسانه این گونه است که وقتی تلویزیون به فیلمنامه نویس کاری را سفارش می دهد، زمانی او می تواند دقیقاً مطابق خواسته رسانه کار را انجام دهد که خودش کاملاً به آن موضوع رویکرد باور داشته باشد؛ به گفته امیرالمومنین امکان ندارد کسی چیزی را در دلش پنهان کند و در چهره اش، عملش، زبانش و قلمش ظاهر نشود.

اگر ما افرادی مثل کارگردان ها، نویسنده ها، برنامه نویسی ها و مجری ها را واقعا اثرگذار می دانیم که اثرگذار هم هستند، باید علاوه بر آموزش تکنیک، به تربیت فکری و

تزریق راهبردهای تربیتی نهج البلاغه

نامه ۳۱ نهج البلاغه نیز چنان که به آن اشاره شد، کاملاً یک نامه تربیتی است و اگر مورد توجه و مباحثه مسئولان و برنامه سازان صداوسیما م اقرار گیرد از تزریق راهبردهای تربیتی آن به فیلم ها و سریال ها به نتایج خوبی در جذب، تعلیم، و تربیت مخاطب جوان خواهیم رسید؛ چرا که تولیدات نمایشی تلویزیون به جهت این که با ناخودآگاه مخاطبش سروکار دارد، می تواند به صورت غیرمستقیم او را تربیت کند.

امیرالمومنین در ابتدای نامه، واقعبت های تلخی از زندگی دنیا را بیان می کنند و به امام حسین (ع) می گویند: «بسم تو سبیل تیر مصیبت ها و آفات هستی و به آرزوهایت نمی رسی.» در واقع به فرزندش می گوید این دنیا دار بلاست و این گونه انتظار او را از زندگی دنیوی پایین آورده و در مقابل انتظار او را از خودش بالا می برد. وقتی جوان چنین نگاهی داشته باشد، دیگر در برابر سختی ها افسرده نمی شود. همچنین امیرالمومنین می گویند: «تو هم پیمان دغدغه هستی... خداوند نیز در قرآن می فرماید: «انسان با رنج به سوی او می رود.» درواقع از نگاه اسلام، رنج و غم جزو ذات زندگی بشر معرفی می شود؛ منتهی

به او معرفی داده شده که سطح رنج هایش را ارزشی می کند.

شروع متفاوت این نامه می تواند فیلم ها، سریال ها و برنامه های صداوسیما را اشراب

کند و به صورت زیبایی به این

مطلب توجه داده

شود که ما

گفته می شود که دو چیز فضیلت شناخته نمی شود مگر این که از دست برود. یکی جوانی و دیگری عافیت. جوانی فرصت مهمی است که اگر انسان آن را بی بهره از دست دهد، مبتلا به ندامتی می شود که قابل جبران نیست. به خصوص از جهت تعلیم و تعلم که فرصتی بی بدیل است. پیامبر اکرم(ص) در توصیف ارزشمندی تربیت در ایام جوانی فرمود: «آن کس که در جوانی بیاموزد، آموزشش به منزله نقش در سنگ است و آن کس که در بزرگسالی بیاموزد، آموزشش به منزله نوشتن روی آب است.» همچنین تاکید شده که اولویت کار تربیتی باید جوانان باشند. امام صادق(ع) از ابی جعفر آحول که برای تبلیغ به بصره رفته بود، پرسید: «مردم نسبت به فرهنگی که تو تبلیغ می کردی، چه اقبالی داشتند.» گفت: «چون تعداد شیعیان در بصره اندک است، نتیجه تلاش شان هم اندک است.» فرمود: «بر تو باد به جوانان؛ چرا که جوانان به سمت خیر سرعت می گیرند.»



مریم فلاح نویسنده و پژوهشگر

«تربیت دینی» در جوانان از دو جنبه اهمیت فراوان دارد؛ الف) راده جوان، قوی و توان مخالفت او با امیال و تمایلات نفس، بالاست.

ب) اخلاق فاسد و عادت های غلط، کمتر در رفتار او اثر کرده و ریشه دوانده و به راحتی قابل تغییر است.

همچنین فرق است بین تعلیم و تربیت؛ چنان که آموزش یا فکر و ذهن ارتباط دارد و هدفش انتقال اطلاعات است، ولی تربیت با دل و احساسات ارتباط دارد و علاوه بر انتقال اطلاعات، به دنبال ایجاد احساس است. ایمان نیز ترکیبی از آگاهی و احساس است. بنابراین باید توجه شود که آموزش صرف، حس برانگیز نیست و حرکت ایجاد نمی کند اما اگر توام با تربیت باشد، موجب می شود که آدم ها در همه امور هدف شان حرکت به سمت خدا باشد. اگر تربیت در کنار تعلیم شکل بگیرد، خوبی ها محبوب و بدی ها منفور می شود.

با توجه به این که در دنیای امروز بخش بزرگی از مسأله تربیت، در مواجه جوان با وسایل ارتباط جمعی صورت می گیرد، باید از یک سو «جوانان» را اولویت اول مخاطبان رسانه قرار دهیم و از سوی دیگر مقوله تربیت را روح حاکم بر تولیدات رسانه تعریف کنیم.

نگاهی به پایسته های تربیتی جوان

در نامه ۳۱ نهج البلاغه امیرالمومنین(ع) می فرماید: «دل آدمی اگر مجبور شد، کور می شود.» در بخشی دیگر از همین نامه، امیرالمومنین(ع) می فرماید: «قلب جوان مثل زمین خالی است. هر چه در آن کاشته شود، همان رami پذیرد.» همچنین می فرمایند: «برای تربیت تو عجله کردم و ترسیدم که دو چیز بر من سبقت بگیرد، یکی هوس ها و دیگری فتنه های دنیا؛ من عجله کردم برای ادب تو قبل از این که قلبت قسی شود.» یعنی هر پدیری، هر مریی و هر رسانه ای در حوزة مسائل تربیتی

عضو انجمن کوهنوردی زاگرس که به دلیل آسیب های وارد شده هنگام اطفا ی آتش سوزی جنگل های دیل گچساران جان باخت از دیگر بخش های این برنامه است. «دار دو» کاری است از گروه دانش و اقتصاد شبکه دو با همکاری سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کل کشور و تهیه کنندگی هادی خدادی که از شنبه تا دوشنبه حوالی ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه روانه آتن می شود. بازپخش این برنامه روز بعد حوالی ساعت ۱۲ و ۳۵ دقیقه خواهد بود.



جوانان اولویت اول تولیدات

«جام جم» نقش الگویی حضرت علی اکبر



مکت

«تربیت دینی» وام دار الگوهای عاشورایی

به نظر می رسد تا وقتی که فرهنگ عاشورا در بین مردم ایران، جاری است و تا هنگامی که جوانان ولایت مدار ایرانی، الگوهای عاشورایی مانند حضرت علی اکبر(ع) را سرمشق خود قرار می دهند و میزان آگاهی خود را از مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جهان اسلام، در سطح مطلوب حفظ می کنند فتنه های فرهنگی در عرصه های مختلف، تأثیری در «تربیت دینی» جوانان ایرانی نخواهد داشت. اگر رسانه بخواهد نام و یاد حضرت علی اکبر(ع) را الگوی تربیت دینی جوانان ایرانی قرار دهد، این الگوپذیری از دو جنبه مستقیم و غیرمستقیم محقق می شود. به این شکل که بخشی از تربیت دینی جوانان از طریق بخش برنامه هایی که مجالس عزویه و سخنرانی ویژه ایام محرم و مفر را پوشش می دهد به نتیجه می رسد؛ چراکه از این طریق مخاطب جوان می تواند نسبت به شخصیت و منش و رفتار حضرت علی اکبر(ع) شناخت پیدا کند. اما بخش مهم تربیت دینی این دسته از مخاطبان رسانه، تربیت



قاب

دوراهی های یک جوان



اگر نگاهی به سریال هایی بیندازیم که قصه و روایت شان مربوط به تاریخ معاصر است، نام سریال «ارمغان تاریکی» به عنوان یک سریال با نمایش شخصیت های جوان به چشم می خورد.

ارمغان تاریکی یک سریال تلویزیونی بود که از شبکه سه روی آنتن رفت. کارگردانی جلیل سامان در کنار بازیگران توانمند، توانست این روایت را واقعی تر کند. سریال مذکور، مقطعی از فعالیت سازمان مجاهدین خلق در سال های دهه ۵۰ و تغییر گرایش در میان برخی اعضای آن را به تصویر می کشید. بازی آرش مجیدی اما نقطه قوت این سریال بود. جوانی که ابتدا به سمت سازمان مجاهدین کشیده شد و بعد دست روژگار او را به سمت دیگری می کشاند. بازی واقعی او در کنار قصه این مجموعه، توانست کاراکتر یک جوان تغییرمسیر داده به سمت انقلاب را به درستی روایت کند. مجیدی البته در سریال های دیگری هم توانست همین کاراکتر جوان خاکستری اما اهل زندگی را بازی کند. سریال «دلدادگان» یکی از همین مجموعه ها بود که مجیدی نقش جوانی جوای نام را بازی می کرد.

چهره

جوهرچی و خاطره جوان دهه هفتادی



آنهایی که در سال های پخش سریال هایی مثل «در قلب من»، مخاطب تلویزیون بودند خوب یادشان است که شخصیت محمد چطور توانسته بود نمایندة جوان آن زمان باشد. سریال در قلب من توانست از حسن جوهرچی یک کاراکتر مشخص از جوانی بسازد که برای رسیدن به خواسته اش تلاش می کند اما به همان نسبت محبوب است و آرام. صدای ثریا قاسمی که در راهرو می پیچید و «محمد» می گفت، لبخند حسن جوهرچی هم بیرون می زد. جوهرچی گرچه در سال های بعد وارد بازی شخصیت های دیگری شد و حتی در سریال او یک فرشته بود، یک نقش خاکستری را بازی کرد اما این شخصیت جوان دهه ۷۰ برای همیشه به نام او باقی ماند.

سریال در قلب من و بعد از آن، مجموعه در پناه تو، به طور کلی روایتی از جوانان آن روزها را ارائه کرد که بیشترشان دانشجو بودند و نمایندة جوانان آن زمان. هر دو سریال به کارگردانی حمید لیکنده بود که یکی در سال ۱۳۷۴ و دیگری در ۱۳۷۷ روی آنتن رفت. شخصیت پارسا پیروزفر و حسن جوهرچی نمایندة جوانان آن روزها بودند که در قاب تلویزیون ماندگار شدند.

نما

جوانانی بر سر دوراهی

سریال سرخوجه را باید یک سریال متفاوت دانست که توانسته بود روایتگر چالش زندگی جوانان باشد. این مجموعه در ژانر امنیتی و اجتماعی به کارگردانی احمد معظمی و تهیه کنندگی ابوالفضل صفری بود.

قصه اصلی آن، روایت قصه دو فرد در دو جبهه سیاسی، یکی طرفدار نظام جمهوری اسلامی ایران و دیگر جاسوسی سایبری بریتانیا بود. زندگی غلامرضا و کیان با دو طبقه اجتماعی متفاوت، بالاخره یک جایی به هم گره می خورد و به سمت و سوی تازه ای کشیده می شد. حمیدرضا محمدي و سامان صفاری

در این مجموعه، برخلاف روال هیشگی، جوان پایبند به میهن را به گونه ای به تصویر می کشید که برای مخاطب متفاوت بود.



کد را با اسکن کنید